

# غزه، چالش جهانی

## برای وجدان بشریت

● دکتر علی خلغالی، دانشیار مدیریت آموزشی



شهرک‌ها، تصرف زمین، تخریب خانه‌ها، وضع قوانین نژادپرستانه‌ای که بین یهودیان و غیریهودیان تبعیض قائل می‌شود، و در نهایت تبدیل شدن به یک رژیم آپارتاید تمام‌عیار، به گسترش خود ادامه داد. این نظام در مواردی مانند استقرار یک نظام حقوقی دوگانه، یکی برای یهودیان و دیگری برای اعراب، دادگاه‌های نظامی برای فلسطینی‌ها و دادگاه‌های مدنی برای اسرائیلی‌ها، زیرساخت‌های تفکیک‌شده اعم از جاده‌ها، آب، برق و حتی شبکه‌های مخابراتی، نظام صدور مجوز و ایست بازرسی که رفت و آمد را به شیوه‌ای بی‌نظیر در سراسر جهان در اختیار می‌گیرد، خودنمایی می‌کند. همه این‌ها در حالی اتفاق می‌افتد که اشغالگران همچنان خود را «تنها دموکراسی در خاورمیانه» معرفی می‌کنند؛ در حالی که زشت‌ترین شکل تبعیض نژادی و استعمار را اعمال می‌کنند.

از زمان فاجعه تأسیس دولت صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ در سرزمین فلسطین، که در فرهنگ فلسطینی به‌عنوان «نکبت» شناخته می‌شود، مردم فلسطین اشغال نظامی مداوم، استعمار سامانمند شهرکنشینان، محاصره خفه‌کننده، کشتار جمعی، مصادره زمین، یهودی‌سازی اورشلیم و محرومیت از اساسی‌ترین حقوق مدنی و سیاسی خود را تحمل کرده‌اند. در کرانه باختری، گسترش شهرک‌سازی در روز روشن انجام می‌شود، غیرنظامیان فلسطینی در ایست‌های بازرسی با خونسردی کشته می‌شوند، اردوگاه‌های پناهندگان و شهرها در عملیات نظامی مورد حمله قرار می‌گیرند، کودکان دستگیر می‌شوند، خانه‌ها تخریب می‌شوند و زمین‌های کشاورزی با بولدورز صاف می‌شوند.

در اورشلیم، پروژه‌های یهودی‌سازی سرعت می‌گیرند. محله‌های فلسطینی با کارزارهای آوارگی اجباری روبه‌رو هستند. فلسطینی‌ها از ساخت و ساز در شهر خود منع می‌شوند، در حالی که گروه‌های شهرکنشین تشویق می‌شوند تحت حمایت نظامی به مسجداقصی، به‌عنوان بخشی از تلاش برای تقسیم زمانی و مکانی مسجد و تحمیل واقعیت‌های جدید به قیمت ازدست‌رفتن حقوق تاریخی، مذهبی و ملی، حمله کنند.

در مورد غزه، اوج این بی‌عدالتی تاریخی را شاهد هستیم؛ نقطه‌ای اشتعالی که تمام تناقض‌های روایت غرب و تمام زشتی‌های سیاست‌های نظم بین‌المللی را آشکار کرده است. حالا دیگر غزه خود فرقان است. وقتی از غزه صحبت می‌کنیم، صرفاً منطقه‌ای را توصیف نمی‌کنیم که ۱۷ سال

این متن بازنویسی شده<sup>۱</sup>، نه یک سوگ‌نگاری دیگر، بلکه روایتی از زخمی که پنهان است که هرگز التیام نیافته، جنایتی که هرگز متوقف نشده، و آرمانی که به معیار واقعی تمامیت جهان و افشای نادرستی معیارهای آن تبدیل شده است.

آنچه در غزه در حال وقوع است، نه یک درگیری مذهبی و نه صرفاً یک اختلاف ملی است. این یک پروژه استعماری، شهرک‌سازی و نژادپرستانه است که بر ویرانه‌های یک سوگ‌نامه (تراژدی) جعلی اروپایی، یعنی آنچه به‌عنوان «مسئله یهود» شناخته می‌شود، بنا شده و به سرزمینی تحمیل شده است که در آن هیچ نقشی نداشته است. امروز، بعد از بیش از یک قرن از آغاز پروژه صهیونیستی، بیش از هفت دهه از روز نکبت، و تقریباً دو سال از نسل‌کشی در غزه، بار دیگر باید تأکید کرد، همان‌طور که شاهد حمله‌های اسرائیل به سوریه، یمن، ایران، عراق و قبلاً مصر بودیم و هستیم، متوجه می‌شویم که اهالی غزه صرفاً از فلسطین دفاع نمی‌کنند، آن‌ها از معنای کامل آزادی و عدالت در این جهان دفاع می‌کنند.

اروپا و آمریکا پس از خروج از جنگ‌های بزرگ خود، به‌ظاهر تعهد خود را به قوانین بین‌المللی و حقوق بشر اعلام کردند. با این حال، وقتی نوبت به فلسطین و غزه رسید، به تمام شعارهای خود پشت پا زدند، زیرا به‌طور آشکار پروژه صهیونیستی از همان مرحله‌های اولیه خود، یک طرح استعماری-مهاجرت‌گرایانه با حمایت قدرت‌های غربی بود. این پروژه با هدف محو هویت فلسطینی‌ها نه تنها از طریق تصرف زمین، بلکه با حذف آن‌ها از روایت جهانی، و به تصویر کشیدن آن‌ها به‌عنوان مانع پیشرفت، به‌عنوان «تهدید جمعیتی» یا حتی به‌عنوان «وحشت‌افکن (تروریست)»هایی که مانع نوگرایی هستند، انجام شده است.

البته این تجاوز مستمر اروپایی آمریکایی صهیونیستی، به انکار بسنده نکرد، بلکه متجاوزان و اشغالگران صهیونیست، با حمایت همه‌جانبه غرب وحشی، یکی از گسترده‌ترین عملیات‌های پاک‌سازی قومی دوران نوین را انجام دادند. بیش از ۷۵۰ هزار فلسطینی در سال ۱۹۴۸ با اجبار آواره شدند. بیش از ۵۳۰ روستا ویران شد. با وجود قطع‌نامه ۱۹۴ سازمان ملل، حق بازگشت از پناهندگان سلب شد. امروزه، بیش از شش میلیون پناهنده فلسطینی همچنان از حق بازگشت خود محروم هستند. این پاک‌سازی قومی یک رویداد تصادفی نبود، بلکه هسته اصلی این پروژه بود. بعدها، اشغال از طریق سیاست «بجای واقعیت‌ها در محل»، یعنی ساخت

یک کارزار نظام‌مند هماهنگ، بین آمریکا، اروپا و اسرائیل، برای از بین بردن کامل زیرساخت‌های مراقبت‌های بهداشتی غزه است.

همچنین، اشغالگران جنایتکار با هدف قراردادن عمدی معلمان و دانشگاہیان، مرتکب نسل‌کشی آموزشی شده‌اند و حمله‌های آن‌ها هزاران دانش‌آموز را کشته است. کودکان، از جمله دانش‌آموزان، ۱۸ درصد از کل موارد قطع عضو، در مجموع ۴۵۰۰ مورد، را تشکیل می‌دهند که نتیجه مستقیم نسل‌کشی جاری است. این جنگ، طبق تعریف‌های حقوقی بین‌المللی، تمام نشانه‌های نسل‌کشی را داراست. طبق کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل‌کشی ۱۹۴۸، این معیارها آشکارند: قصد آشکار و اعلام‌شده برای نابودی یک گروه خاص؛ کشتار جمعی سامانمند و محرومیت از وسایل زندگی؛ تحریک عمومی مردم توسط مقامات سیاسی و نظامی که با تکرار آشکار عبارتهایی مانند «جمعیت غزه را نابود کنید» و «برق، آب و غذایشان را قطع کنید» خواستار «محو غزه» هستند؛ امتناع مداوم از اجازه‌دادن به کمک‌های بشردوستانه، ضمن هدف قراردادن کسانی که سعی در ارائه آن دارند.

حمله‌های هوایی همچنان غیرنظامیان را بدون هیچ توجیه قانونی یا بشردوستانه، در میان سکوت شرم‌آور بین‌المللی و همدستی آشکار غرب، هدف قرار می‌دهند و هنوز اجساد هزاران نفر زیر آوار مانده است، زیرا نیروهای اسرائیلی از بیرون کشیدن آن‌ها جلوگیری می‌کنند.

این جنایت به بمباران و کشتار محدود نشده است. این جنایت به یک فریب سیاسی عمدی که اسرائیل و ایالات متحده انجام می‌دهند، یعنی چیزی شبیه به یک نمایش دوگانه، با هدف خرید زمان، فرونشاندن خشم بین‌المللی و اجازه‌دادن به ادامه نسل‌کشی تحت پوشش مذاکرات دروغین، گسترش یافته است. جهانیان شاهد هستند، هر بار که آتش بس به اجماع جهانی نزدیک می‌شود، دولت آمریکا با موضعی مبهم وارد عمل می‌شود و ادعای نگرانی برای «حفاظت از غیرنظامیان» را مطرح می‌کند، در حالی که به تأمین سلاح اسرائیل و ارائه حمایت سیاسی در شورای امنیت سازمان ملل ادامه می‌دهد. آنچه امروز شاهد آن هستیم، مذاکره واقعی نیست. این یک رزمایش (مانور) مشترک بین اشغالگران و ایالات متحده

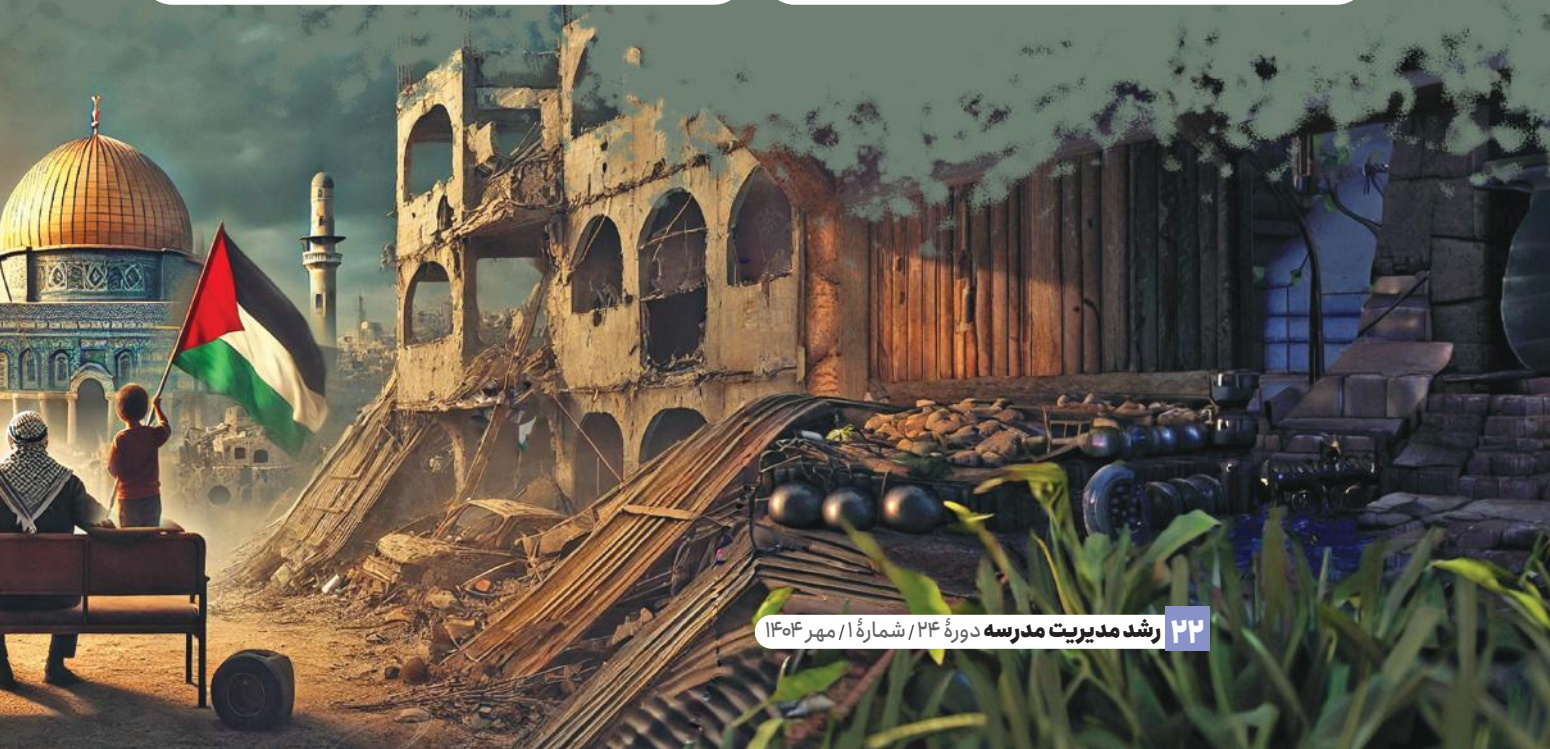
تحت محاصره بوده است. ما در مورد بزرگ‌ترین زندان روبازی که جهان تاکنون شناخته است صحبت می‌کنیم که اشغالگران صهیونیستی ایجاد کرده‌اند؛ جایی که بیش از دویلمیون تن در محاصره‌اند و از اساسی‌ترین حقوق انسانی خود محروم هستند. از نظر تاریخی چنین وضعیتی برای چنین مدتی طولانی، بی‌سابقه است. این سرزمین، که پس از نکتب ۱۹۴۸ به محل سکونت صدها هزار پناهنده‌ای که شبه‌نظامیان صهیونیست از خانه‌ها، زمین‌ها و شهرهای خود آواره کرده بودند، تبدیل شد، در عمل به آزمایشگاهی برای آزمایش‌های اشغالگران و پژوهشگران اروپایی و آمریکایی، در بررسی روش‌ها و آثار مجازات جمعی، محاصره و گرسنگی، تبدیل شده است.

از سال ۲۰۰۸، اسرائیل علاوه بر تجاوز نظامی مداوم، پنج جنگ ویرانگر را علیه غزه آغاز کرد که با محاصره، کشتار از طریق ابزارهای متعدد، محدودیت‌های سفر و ممنوعیت‌های تردد همراه بود. نسل‌کشی مداوم که در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد، وحشیانه‌ترین و خونین‌ترین نسل‌کشی در تاریخ نوار غزه است. اما این نسل‌کشی در خلأ پدیدار نشده است. این ادامه جوهره پروژه صهیونیستی است که به دنبال نابودی مردم فلسطین و انکار وجود آن‌هاست.

این اشغال و تجاوز تا به امروز بیش از ۶۰ هزار فلسطینی، از جمله ۱۷ هزار کودک، را کشته و بیش از ۱۳۷ هزار نفر را زخمی کرده است که نیمی از آن‌ها زن و کودک هستند. هزاران ساختمان ویران شده است. مدرسه‌ها، بیمارستان‌ها و پناهگاه‌ها به عمد هدف قرار گرفته‌اند. برق، آب و دسترسی به دارو قطع شده است و نرخ آوارگی از ۹۰ درصد فراتر رفته است. در حالی که جمعیت باقی‌مانده در بحبوحه فروپاشی تقریباً کامل هر جنبه اساسی زندگی، برای زنده ماندن تلاش می‌کنند.

در بسیاری از موارد، مرگ دیگر تنها ناشی از بمباران نیست، بلکه گرسنگی، تشنگی، شیوع بیماری و هدف قرار گرفتن نظام‌مند مراقبت‌های بهداشتی نیز در آن دخیل هستند. اشغالگران اسرائیلی ده‌ها بیمارستان را در غزه بمباران کردند، آتش زدند و از کار انداختند و از ورود تجهیزات پزشکی و تخلیه مجروحان برای درمان جلوگیری کرده‌اند. این هدف قراردادن مکرر بیمارستان‌ها که باعث غیرفعال شدن ۳۶ بیمارستان در دوره‌های متفاوت شده است، بخشی از

### اشغالگران جنایتکار با هدف قراردادن عمدی معلمان، ودانشگاہیان، مرتکب نسل‌کشی آموزشی شده‌اند و حمله‌های آن‌ها هزاران دانش‌آموز و دانشجوی مدرسه‌ای را کشته است



است که با هدف دورزدن اراده جهانی، تحریف مفهوم آتش بس و تبدیل پرونده غزه به ابزار چانه زنی، جدا از عدالت یا حقوق، انجام می شود. وقتی درباره فلسطین و غزه صحبت می کنیم، نه درباره یک مسئله بشردوستانه که به گوشه اخبار رانده شده باشد و نه درباره یک «منزاعه سیاسی» بین دو طرف صحبت می کنیم. ما درباره یک قطب نمای جهانی، آینه های که انحراف های نظام بین المللی را منعکس می کند، و نبردی که در آن میراث استعمار، نژادپرستی، سلطه غرب، تبعیض طبقاتی و نئولیبرالیسم نظامی با هم تلاقی می کنند، صحبت می کنیم.

بنابراین، مسئولیت ما، به عنوان حامیان آرمان عادلانه فلسطین، فراتر از هم بستگی نمادین یا صدور بیانیه های محکومیت است. این مسئولیت با محور قرار دادن مجدد آرمان فلسطین در هسته مبارزات رهایی بخش جهانی و وجدان جمعی جنبش های عدالت خواه در سراسر جهان آغاز می شود. باید روایتی صهیونیستی را که به دنبال ربودن داستان، اهریمن جلوه دادن قربانی و توجیه جنایت به نام «دین یا امنیت» است، از بین برد. همچنین، باید با استفاده از تمام ابزارهای حقوق بین الملل و عدالت کیفری، و با شروع از دیوان کیفری بین المللی، برای پاسخ گو کردن اشغالگران کوشید.

فلسطین به آزمایشگاهی جهانی برای سرکوب تبدیل شده است؛ جایی که ابزارهای هوش مصنوعی برای نظارت و وحشت افکنی (ترور) آزمایش می شوند، از تحریف رسانه ای علیه قربانیان استفاده می شود، روایت های مقاومت، جرم انگاری می شوند و به متجاوزان مصونیت از مجازات اعطا می شود. مسئولیت ما بسیار عظیم است، زیرا می دانیم - و خوب می دانیم - که این نبرد، نبردی منزوی نیست. این نبرد به طور عمیق با مبارزه مردم جنوب جهان<sup>۲</sup> علیه ستم اقتصادی، غارت محیط زیست، استبداد سیاسی و چهره جدید امپریالیسم مرتبط است. آنچه در غزه اتفاق می افتد، نه یک مسئله محلی است و نه اختلاف بر سر مرزها، بلکه یک چالش جهانی برای وجدان بشریت، برای اعتبار قوانین بین المللی و برای مفهوم عدالت جهانی است.

سال های گذشته ثابت کرده اند که اشغال نه تنها یک جنایت مداوم است، بلکه افشای آشکاری از همدستی غرب و تناقض آشکار بین شعارهای

بلندپروازانه و عمل واقعی است. آن ها از «حقوق بین الملل» صحبت می کنند، در حالی که از نهادهی فراتر از قانون حمایت می کنند. آن ها از «حقوق بشر» صحبت می کنند، در حالی که برای یک ماشین نسل کشی با برند صهیونیسم، تابن دندان سلاح و بودجه می فرستند. آن ها از «مبارزه با نژادپرستی» صحبت می کنند، در حالی که نظام آپارتایدی را توجیه می کنند که هیچ تفاوتی با نظامی که آفریقای جنوبی تحمل کرد، ندارد. آن ها از «آزادی بیان» صحبت می کنند، در حالی که هر کسی را که با فلسطین و غزه ابراز هم بستگی کند، حتی در دانشگاه ها و تربیون های عمومی غربی، تحت آزار و اذیت قرار می دهند. با این حال، با وجود همه این ها، مردم غزه شکست نخورده اند و شکست نخواهند خورد. آن ها ظلم و ستم را تحمل کرده اند، با قتل عام ها مقابله کرده اند، بر تفرقه ها غلبه کرده اند و نسلی پس از نسل، با وجود نسل کشی، خیانت و محاصره، آرمان خود را زنده نگه داشته اند.

آینده غزه آرزوی برای آینده بشریت است. یا ما برای آزادی و کرامت پیروز می شویم، یا تسلیم دوران جدیدی از استعمار خواهیم شد که در لباس نوگرایی پنهان شده است؛ یا مجرم را به سزای اعمالش می رسانیم، یا شاهدان خاموش یک جنایت کاملاً تحقق یافته می شویم. حالا باید صداها را بلند کرد و از غزه حمایت کرد. فلسطین تنها نیست. عدالت، حتی اگر با تأخیر اجرا شود، بالاخره اجرا خواهد شد. با وجود دیوارها، تانک ها و بمب ها، مردم جهان هنوز قدرت صحبت کردن دارند، و همان طور که شاعر فلسطینی زمانی گفته است: رودخانه راه خود را به دریا خواهد یافت. مهم نیست شب چقدر طولانی باشد، مهم نیست چند آتش روشن باشد. فلسطین آزاد، از نهر تا بحر، فلسطین آزاد خواهد بود، از بحر تا نهر، فلسطین برای همیشه آزاد است.

#### پی نوشت ها

۱. متن حاضر بازنویسی سخنرانی محمد مکرم بلاوی، مدیرکل اتحادیه نمایندگان پارلمانی قدس است، که در کنفرانس بین المللی در مورد مدیترانه شرقی و دریای سیاه در روزهای ۱۸ و ۱۹ جولای ۲۰۲۵ در مرکز استراتژی ملی (USMER) ارائه کرده است.
۲. اصطلاح Global South به یک جنبش جهانی در جهت عدالت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اشاره دارد و به مبارزات مردم در همه جای جهان، علیه ستم، فقر، نابرابری و استعمار نوین می پردازد.

### آنچه در غزه اتفاق می افتد، نه یک مسئله محلی است و نه اختلاف بر سر مرزها، بلکه یک چالش جهانی برای وجدان بشریت، برای اعتبار قوانین بین المللی و برای مفهوم عدالت جهانی است

